

پیش بینی «برجامی» فلاحت‌پیشه در گفت‌وگو با «شرق»

سرنوشت محتوم برجام احیاست، نه شکست



معصومه معظلی: پس از مدت‌ها کش‌وقوس برجامی از سوی طرفین ایرانی و غربی، ماجرای توافق به جای بسیار حساس خود رسیده است و هریک از طرفین سعی دارند تا حد امکان منافع بیشتری در این توافق به دست آورند. ازاین‌رو مذاکرات یا به در بسته و بن‌بست می‌خورد و برای مدتی مسکوت می‌ماند یا مثل اتفاقات اخیر، کار به ارائه پیشنهادهایی درباره متن پیش‌نویس می‌رسد و چشمان مردم بریده از تحریم، در انتظار دیدن کوچک‌ترین اثر مثبت رفع تحریمی دو دو می‌زند. اول جمهوری اسلامی بود که در زمانی نسبتاً طولانی پیشنهادهای خود در زمینه متن پیش‌نویس توافق هسته‌ای را به طرف غربی ارائه داد. حالا نوبت آمریکایی‌ها بود تا پس از ۱۰ روز کش‌دادن ماجرا، بالاخره پاسخ پیشنهادهای ایران درمورد متن پیش‌نویس توافق هسته‌ای را به اتحادیه اروپا ارسال کنند. البته انتظار می‌رفت این پاسخ‌گویی زودتر از این انجام شود؛ اما دولت آمریکا مدعی شد «جواب چندوجهی ایران، دلیل تأخیر این کشور برای پاسخ‌گویی بوده است. اگرچه اتحادیه اروپا پاسخ اخیر آمریکا به پیشنهادهای ایران درباره متن پیش‌نویس توافق هسته‌ای را «منطقی» توصیف کرده است؛ اما مسئله اینجاست که هم‌زمان با احیای قریب‌الوقوع برجام، مخالفان داخلی و خارجی برجام همه تلاش‌شان را به کار بستند تا این امر محقق نشود و همچنان کاسبان تحریم از فرصت پیش‌آمده برمنفعت منتفع شوند. کسانی که فشار واردشده بر دوش جامعه را نادیده گرفته و منافع شخصی را بر منافع جمعی و ملی ترجیح می‌دهند؛ اما حالا که خبرهایی دال بر احتمال بازگشت و احیای برجام به گوش می‌رسد، خون تازه‌ای به رگ‌های جامعه دویده و همه منتظرند تا این توافق اگر چه دیر، اما بالاخره امضا شود؛ شاید آنها هم اثر ثمرات برجام بی‌نصیب نمانند. به‌همین دلیل در راستای خبرهای خوب برجامی این روزها و احتمال رفع تحریم‌ها، با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم، گفت‌وگویی داشتیم. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگوی حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، نماینده چند دوره مجلس و کارشناس مسائل بین‌الملل با «شرق» است.

♦ درباره فضای مثبت ایجادشده در جامعه نسبت به احیای برجام بگویید. آیا به نظر شما می‌توان به آینده برجام و امضای توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها امیدوار بود؟

در تحریم‌ها و سیاست‌های اقتصادی مقابله با تحریم، تحمل مردم به حد اعلی رسیده است و به عبارتی هم تحریم‌های آمریکا دیگر بیش‌ازاین نمی‌تواند نوسان ایجاد کند، هم کشور سیاست‌های ضد تحریمی را شکل داده که البته بخش اعظمی از این سیاست‌ها بر دوش مردم شکل گرفته است. البته فضای ذهنی برخی مسئولان با مردم همخوانی ندارد؛ به‌همین دلیل درکی از فشار واردشده بر مردم ندارند. شاهد بی‌سابقه‌ترین کاهش ارزش پول ملی بوده‌ایم و اقتصاد مقاومتی شکل گرفته و فشار تحریم‌ها بر دوش مردم سنگینی می‌کند. ازاین‌رو اگر برجام احیا شود، زمینه جهش اقتصادی بسیار خوبی فراهم می‌شود و باعث تعدیل فشار روی دوش مردم می‌شود؛ بنابراین من بـا نظر برخی دوستان که مدعی هستند اگر برجام احیا شود، اثر روشنی بر اقتصاد کشور و زندگی مردم ندارد، مخالفم؛ چراکه صرف احیای برجام، نفت و فراورده‌های نفتی که ایران روی نفکش‌ها و در انبارهای مختلف دارد و به دلیل تحریم با بازار نامساعد تحریم نمی‌تواند صادر کند، فضا برایش باز می‌شود و ایران در طول چند هفته به اندازه چند سال می‌تواند ثروت وارد کشور کند. همچنین علاوه بر اینکه یک روند عادی شکل می‌گیرد، هم فرصت‌های اقتصادی احیا می‌شود و هم فرصت‌های فروش خوب فراهم می‌شود. درعین‌حال مبادلات گران‌شده اقتصادی و مالی و بانکی ایران ارزان می‌شود؛ بنابراین به اعتقاد بنده در شرایط تحریم، دولت یک اقتصاد بدون توسعه یا اقتصادی با حداقل مؤلفه‌های توسعه را تعریف کرده است. در حوزه معیشت ورود کرده و بار عمده تحریم‌ها بر دوش مردم است؛ اما سقف تحریم‌ها هم تعریف شده است. فقط باید منتظر ماند که اگر برجام احیا شد، یک اقتصاد مبتنی بر توسعه شکل بگیرد. دراین‌صورت آثار برجام بر زندگی مردم محسوس خواهد بود.

♦ برای مدتی توافقات برجامی به بن‌بست و سکوت رسیده بود و حالا به نظر

می‌رسد از حالت تعلیق خارج شده است. به نظر شما می‌توان به آینده و احیای برجام از سوی دو طرف امید داشت؟

به نظر من توافق اصلی حاصل شده و آنچه از روند احیای برجام باقی مانده، بلوف‌های سیاسی است؛ یعنی دیپلماسی هسته‌ای و اختلافات درباره متن برداشته شده است؛ اما از آنجایی که هر دو طرف موافقان و مخالفانی دارند، سعی دولت‌ها بر این است که شرایط را به نحوی پیش ببرند که متن نزدیک به توافق اجرا شود تا طرفداران‌شان را از دست ندهند و درعین‌حال این موضوع به پاشنه‌آشیل آنها پیش مخالفان‌شان تبدیل نشود. به نظر من در ایران جریان منتقد دولت کاری را انجام دادند که باید انجام می‌دادند. من هم تأکید دارم باید طبق منافع ملی اجازه داد تا اگر دولت می‌تواند توافق کند، توافقی در حد مقدور داشته باشد؛ چراکه هیچ توافقی برد کامل نیست؛ بنابراین باید اجازه بدهند این توافق اجرا شود؛ اما در طرف آمریکایی این شرایط کاملاً فرق دارد و حدود سه ماه آینده انتخابات میان‌دوره کنکره آمریکا را در پیش داریم و انتخاباتی که پیش‌بینی می‌شود با تغییر اکثریت در کنکره آمریکا شکل می‌گیرد. همچنین متحدان آمریکا و لابی یهودیان به‌شدت در انتخابات منتظرند نظر آنها تأمین نشود تا علیه دموکرات‌ها وارد عمل شوند؛ پس دیپلماسی عمومی در آمریکا دچار مشکل شده است. از دیگر مشکلات این است که طرف ایرانی هم قبل از اینکه متنی وجود داشته باشد، اول روی متن آن تبلیغات می‌کند و همین باعث می‌شود لابی رسانه‌ای مخالف برجام در آمریکا فعال شود و سیاست‌مداران آمریکایی را زیر سؤال ببرد. به هر حال به نظر من در دیپلماسی رسمی توافق حاصل شده و فقط امضای رسمی مانده و آنچه باعث اختلاف نظر است، دیپلماسی عمومی است. این هم مربوط به بخشی است که طرفین توافق به دلیل عدم اعتماد متقابل نسبت به آن توافق نکرده‌اند. در واقع اگر توافق به نحوی پیش می‌رفت که در یک زمان واحد هر دو متن مشترک را با دو ترجمه مختلف منتشر می‌کردند؛ درحالی‌که هزینه‌ها را قبول کرده بودند، فضا به نحوی پیش نمی‌رفت که باز هم برجام در فرایند

کشتن زمان قرار بگیرد.

♦ به کشتن زمان و فرسایشی‌شدن مذاکرات اشاره کردید که بار سنگین آن هم به دوش مردم است. آیا زمان بردش‌ش پذیرفتنی است؟

با وجود همه مسائلی که بیان شده، اینکه پیشنهادهای طرف ایرانی پیشنهادهایی معقول براساس تجربه تاریخی برجام بوده است، شکی نیست و حتما مردم این موضوع را درک می‌کنند و می‌دانند عدول از این پیشنهادها در شرایط کنونی ممکن نبود. هرچند اعتقاد دارم همان ۱۵ ماه زمانی که از دست رفت، اگر توافق حاصل می‌شد، بهتر از هر تضمینی می‌توانست عمل کند؛ یعنی در ۱۵ ماه گذشته می‌توانستیم میلیاردها دلار درآمد داشته باشیم و فرصت‌هایی را که با جنگ اوکراین ایجاد شده بود، به دست آوریم؛ اما برخی سیاست‌مداران ایرانی سیاست‌مداران زمان‌شناسی نیستند و فرصت‌سوزی می‌کنند. ای کاش ۱۵ ماه پیش برجام امضا می‌شد؛ چراکه این گذر زمان بهترین تضمین بود و نیاز نبود برای گرفتن تضمین پافشاری کنیم. البته تضمین‌هایی که جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد، بحق است. ایران در امضای توافق تعلل کرد؛ اما در شرایط کنونی روی متن موضع ناحقی ندارد. از طرفی آمریکایی‌ها هم راه برگشت و چاره‌ای جز امضای برجام ندارند و مجبور به سرهم‌بنداران برجام هستند تا به چالش اصلی خودشان یعنی چالش کرم با روسیه و چالش سرد با چین بپردازند. البته حالا هم که خبر آمده آمریکا با ۱۰ روز تأخیر پاسخ پیشنهادهای ایران به متن پیش‌نویس را به اتحادیه اروپا داده است. وزیر خارجه کشورمان هم در گفت‌وگویی تلفنی با آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد، گفته است: «آمریکا به پیشنهادها پاسخ داده است و اکنون ما در حال بررسی و پایدار اید پاسخ هستیم. در اینکه ما اراده جدی و واقعی برای رسیدن به توافق قوی و پایدار داریم، شکی نیست؛ اما از حقوق مردم در هیچ شرایطی کوتاه نخواهیم آمد...».

♦ با توجه به اینکه انتخابات کنکره و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در پیش است، این نگرانی وجود دارد که با تغییر در انتخابات، توافق برجام موقتی

داده‌های آنلاین بررسی می‌کنند

گزارش تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه چگونه بود و چگونه شد؟

محمد رهبری - هادی صفری: فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور در هفته

گذشته تحت تأثیر انتشار گزارش تحقیق و تفحص مجلس از فولاد مبارکه قرار گرفته بود. این گزارش واکنش‌های زیادی در پی داشت؛ ابتدا مسئولان ارشد دولت سابق اقدام به تکذیب آن گزارش کردند و با گسترش واکنش‌ها به آن و گسترش دامنه اعتراض‌ها به برخی گروه‌ها و نهادهای نزدیک به حاکمیت، رئیس کمیته تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه نیز در کمال تعجب گفت گزارش منتشرشده را تأیید نمی‌کند. در نهایت نیز روابط عمومی مجلس در اطلاعیه‌ای اعلام کرد «آنچه در فضای رسانه‌ای منتشر شده است، نسخه‌ای از گزارش تحقیق و تفحص است که باید بعد از بررسی نهایی و اصلاح لازم به قوه قضائیه ارجاع شود و برای انتشار عمومی نبوده است. این نسخه گزارش حتی برای نمایندگان مجلس نیز بارگذاری نشده است». اما گزارش مذکور چگونه در فضای آنلاین منتشر شد و چه واکنشی دریافت کرد؟

داده‌های توئیتر نشان می‌دهد در ۱۰ روز گذشته، یعنی از زمان انتشار اولین تویت در این رابطه تاکنون، حدود ۲۲ هزار توئیست و ریبلائی در این زمینه منتشر شده است. اگرچه اولین تویت در مورد فولاد مبارکه، توسط یک رسانه اقتصادی نزدیک به جریان انقلابی و اصولگرایی و با محتوای حمله به دولت سابق منتشر شد، اما این موضوع تا روز ۲۸ مرداد چندان مورد توجه کاربران توئیتر و رسانه‌ها قرار نگرفت و توجهات به آن تازه در روز ۳۰ مرداد به نقطه اوج خود رسید.

اما واکنش‌ها به انتشار این موضوع چه بود؟

درحالی‌که شواهد نشان می‌دهد انتشار اولیه گزارش تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه در توئیتر و کانال‌های تلگرامی با رویکرد حمله به دولت سابق بوده است، اما با افزایش توجهات به آن، ماجرا عوض شد. داده‌های توئیتری نشان می‌دهد از روز ۲۸ مرداد که توجهات به موضوع فولاد مبارکه افزایش یافته است، گروهی که بیشترین تعداد توئیست و ری توئیست را در این رابطه داشته‌اند، مخالفان جمهوری اسلامی بوده‌اند و جریان انقلابی تنها یک سوم از محتوای کل شبکه را شکل داده است. در نتیجه این گزارش در عمل تبدیل به ابزاری برای انتقاد و اعتراض به نهادهای نزدیک به حاکمیت شد و باعث شد تا ادعای وجود فساد ساختاری در کشور در فضای توئیتر برجسته شود.

این یافته در ایرکلمات توئیست‌های منتشرشده نیز مشهود است. در میان توئیست‌های منتشرشده، کلیدواژه‌های «فساد»، «اختلاس»، «دزد» و «سیستماتیک» بسامد بالایی داشته و بسیار تکرار شده است. تکرار زیاد این کلمات نشان می‌دهد که بحث فساد سیستماتیک و موضوع اختلاس در توئیست‌ها برجسته بوده است. این در حالی است که اسامی برخی مسئولانی که در گزارش نامشان مطرح شده، تا یک‌پنجم کمتر تکرار شده است. این امر بیانگر آن است که با وجود حملات اولیه به دولت سابق، موضوع محدود به این امر نمانده و فراتر از آن رفته است. داده‌های مذکور نکات شایان توجه دیگری نیز دارد. برای مثال، نام «سپیده رشو» در توئیست‌ها بارها تکرار شده است. کاربرانی که نام او را در نسبت با ماجرای فولاد مبارکه به کار برده‌اند، در اصل خواسته‌اند رفتار دستگاه‌های نظارتی را مورد سؤال قرار دهند. حتی توئیست استاد دانشگاه شریف که در میان توئیست‌های مربوط به فولاد مبارکه بیشترین تعداد لایک را داشته و از استوری اینستاگرامی علی کریمی نیز سردرآورد، بیانگر آن است که ذهنیت بسیاری از کاربران و مردم در مواجهه با اخبار تخلفات فولاد مبارکه، محدود به یک شخص و جریان نیست و

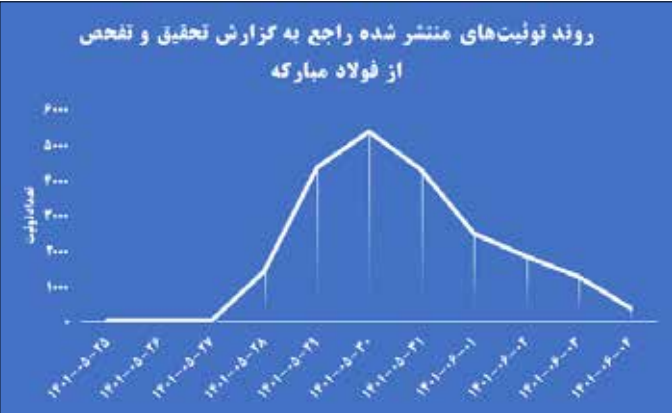


باشد. نظر شما دراین باره چیست؟

دو تغییر در آینده آمریکا قابل پیش‌بینی است. یکی تعدیل قدرت و دیگری تغییر قدرت است. تعدیل قدرت احتمالی بایند است و اگر دموکرات‌ها اکثریت‌شان را در کنکره از دست بدهند، رئیس‌جمهور آمریکا که پنج ابزار اجرایی دارد و مهم‌ترینش فرمان اجرایی است، این ابزار قدرت را از دست می‌دهد یا ضعیف می‌شود؛ یعنی در شرایطی این دستورالعمل‌ها به‌راحتی قابل اجراست که اکثریت حزبی را داشته باشد. فعلاً این اکثریت ضعیف را دارد؛ اما اگر شرایط این‌طور پیش برود، احتمال اینکه اکثریت را از دست بدهد، وجود دارد. در آن شرایط هم قدرت رئیس‌جمهوری تعدیل و کم می‌شود؛ اما تغییر قدرت با انتخابات ریاست‌جمهوری محقق می‌شود؛ بنابراین اگر برجام احیا شود، طرف‌های ایرانی و اروپایی تا این حد تجربه دارند که زمینه‌هایی را در زمینه برجام ایجاد کنند که فردی مثل ترامپ اگر روی کار بیاید، نتواند درخت برجام را ریشه‌کن کند. این تجربه در گذشته نبود و طرفین با برجام خوش‌بینانه برخورد کردند؛ اما حالا این تجربه وجود دارد.

♦ با توجه به فضای کنونی و پاسخ اخیر آمریکا که اروپا آن را «منطقی» خوانده است، به نظر شما آیا در کوتاه‌مدت برجام احیا می‌شود؟

پیش‌بینی می‌کنم آمریکایی‌ها هم خواستار یک دور مذاکرات اجرایی باشند؛ مذاکره در حوزه اجرا نه متون اصلی؛ یعنی همان کاری که دولت ایران انجام داد و با توافق کنار آمده بود و ترجیح داد اول نهادهای رسمی مثل مجلس و دستگاه‌های دیگر وسط بیایند و در حوزه رسانه‌ای اغناسازی کنند. به نظرهم همان کار را اکنون دولت آمریکا دارد انجام می‌دهد؛ اما با لابی‌گری، آمریکایی‌ها برخلاف ایران که سیاست اعلامی قبل از سیاست رسمی صورت گرفت، سعی می‌کنند سیاست اعلامی و رسمی را با هم در پیش بگیرند. در نهایت اگر برجام هرچه زودتر احیا شود، ریشه‌دارتر خواهد بود. به هر حال سرنوشت محتوم برجام احیاست. نه شکست و می‌توان به احیای آن امیدوار بود.



کلیت سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی را شامل شده است.

این داده‌ها نشان می‌دهد انتشار گزارش تحقیق و تفحص مجلس از فولاد مبارکه، باعث شده است تا بسیاری از مردم و کاربران شبکه‌های اجتماعی انتقاداتی را علیه حاکمیت و نه یک دولت خاص بیان کنند؛ امری که در برنامه‌های رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نیز مشهود بود. شاید به همین خاطر است که حالا مجلس و رئیس کمیته تحقیق و تفحص فولاد مبارکه نیز گزارش منتشرشده را تأیید نمی‌کنند؛ چراکه از تبعات آن آگاه شده‌اند. حالا سازمان حسابرسی کشور نیز بیانیه‌ای داده و گفته است «این سازمان تاکنون به موردی از تخلف توسط گروه رسیذگی‌کننده شرکت فولاد مبارکه اصفهان برخورد نکرده است» و آن را «شیبنت تبلیغاتی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» دانسته است. نکته مهم آن است که اگر ادعای سازمان حسابرسی کشور را بپذیریم، این شیبنت تبلیغاتی ابتدا از سمت برخی رسانه‌های مورد حمایت نهادهای خاص در داخل منتشر شده است. سؤال مهم اینجاست که این گزارش از سمت مجلس چگونه به دست این رسانه‌ها رسیده و چرا چنین رسانه‌هایی که نزدیک به جریانات اصولگرا و انقلابی تلقی می‌شوند، باید علیه نظام جمهوری اسلامی شیبنت تبلیغاتی کنند؟

